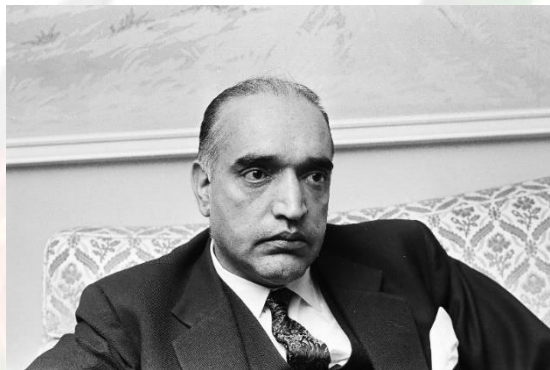




۲۰۱۶/۱۰/۰۱

م. داوود ملکيار

اول اکتوبر تاریخ دردناک شهادت زنده یاد محمد هاشم میوندوال روان شان شاد و یاد شان گرامی و جاویدان باد



مقاله ذیل زیر عنوان «شهادت محمد هاشم میوندوال» به قلم هموطن محترم جناب "محمد طاهر اسلمیار" قبلاً در شماره (۶۰۵) سی سپتمبر ۲۰۰۹ میلادی به مناسبت شهادت زنده یاد محمد هاشم میوندوال، یکی از صدراعظمان دانشمند و فرزانه دوره دموکراسی افغانستان تحت زعامت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه محبوب افغانستان، در سایت وزین کابل ناته نشر شده بود که با اجازه و سپاس از وبسایت گرامی کابل ناته و نویسنده عالیقدر آن به مناسبت چهل و سومین سال شهادت شهید راه وطن شادروان محمد هاشم میوندوال، در سایت وزین (آریانا افغانستان آنلاین) مجدداً به دست نشر می سپارم. م. داوود ملکيار

** * **

شهادت محمد هاشم میوندوال یکی از غفلت های سردار محمد داوود خان

محمد طاهر اسلمیار

اوضاع افغانستان پس از کودتای ۲۶ سرطان متشنج گردیده بود. یک نوع بی اطمینانی در سراسر مملکت وجود داشت. مردمان بیشماری درین فکر بودند که سردار محمد داوود خان که بر اساس یک عقده کودتا کرده است، آله

دست شوروی و احزاب خلق و پرچم است. بعضی رویدادهایی که به وقوع پیوست، آن فکر را تأیید می‌کرد. به طور مثال چندین وزارت در دست آنها بود. از همه مهمتر وزارت داخله که اعمال ناروای بیشتر از آن منبع سر زد. گرفتاری مرحوم محمد هاشم میوندوال و شهادت او در زیر شکنجه، بیشتر فکر آله دست بودن سردار را تأیید کرد.

موضوع به این ترتیب بود که:

میوندوال تقریباً دو نیم ماه پس از کودتای ۲۶ سرطان، به تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۳ شب هنگام از رادیو کابل اعلان شد که "محمد هاشم میوندوال، خان محمد خان مرستیال، عبدالرزاق خان دگر جنرال، سید امیر قوماندان هوایی، زرغون شاه دگروال، کوات خان دگروال، مهرعلی دگرمن، و عارف شنواری و یک تعداد دیگر به همدستی یک مملکت خارجی می‌خواستند توطئه ای را علیه جمهوریت به راه بیاندازند. این خیانت شان به زودی کشف و همه شان گرفتار و توقیف شدند".

یازده روز بعد باز هم از طریق رادیو پخش شد که، محمد هاشم میوندوال در زندان با نکتایی اش خود را حلق آویز و انتحار کرده است.

ولی این ادعای دولت جمهوری را هیچ کسی قبول نکرد. برخلاف ادعای بالا، در همه جا گفته میشد که عاقبت بخیر. هیچ فرد دارای عقل سلیم قبول دار نشد که مرحوم میوندوال دست بخود کشی زده باشد. بزودی مردم خبر شدند که میوندوال در وقت گرفتاری نکتایی با خود نداشت. از طرف دیگر چطور ممکن است که نکتایی وزن یک انسان را برداشته بتواند. آن خبر مردم را به تأسف و خنده وا میداشت. از جانب دیگر میوندوال مرحوم شخص متین و متدین و مصمم بود. چطور چنین شخصیتی دست بخود کشی میزد. در هر قدم محافظی هم وجود داشت و او را نظارت میکردند پس چرا از خود کشی او جلوگیری نکردند. این سوالات و صحبت ها در ادارات دولتی بسیار به صورت پنهانی و در خانه ها و در حلقه دوستان بطور واضح بیان میشد.

بهر حال، جسد مرحومی را به شکل درست برای همسرش، (میوندوال فرزندی نداشت) نشان ندادند. بلکه در نیمه شب تاریک جسد او را برایش نشان دادند. اما مثل بسیاری از قضایای دیگر، بعدها فاش شد که میوندوال در زیر ضربات لت و کوب در اثنای تحقیق تاب نیاورده جان سپرده است.

قبلاً همه خبر داشتند که محمد هاشم میوندوال بیمار بوده و چند باری هم جراحی شده بود. تحقیق میوندوال توسط صمد اظهار شده است. چندی گفته میشد که در حین داشتن قدرت با مباحثات در بین رفقای حزبی خود چیزهای را در رابطه با قتل میوندوال اظهار می نمود.

قتل محمد هاشم میوندوال و چندین تن دیگر و زندانی شدن عده زیادی، به ترس و هراس و بی اطمینانی مردم اضافه نمود.

از جمله سائربین، اشخاصی که پس از شهادت میوندوال، محکوم به اعدام شدند و "رهبر" سردار محمد داوود خان حکم اعدام آنها را به شمول حکم اعدام میوندوال را (بعد از مرگ او) امضاء نمود، عبارت بودند از:

خان محمد خان مرستیال که در زمانی که داوود خان پیش از صدارت داکتر یوسف خان مرحوم، به حیث یک تن از دوستان مقرب سردار شناخته شده بود. این دوستی با سردار به اندازه ای بود که در روز کودتای ۲۶ سرطان از طرف داوود خان مؤظف شد که به وزارت دفاع رفته و امور آن جا را نظم و ترتیب بدهد. اشخاص دیگر عبارت بودند از: سید امیر، زرغون شاه، سید رحمن وکیل، و عارف شنواری.

و قابل یادآوری است که دگر جنرال عبدالرزاق خان از طرف داوود خان مؤظف شده بود که پلان تشکیل یک قول اردوی هوایی را ترتیب و آماده سازد. در حقیقت آن شخصیت ها دوستان سردار بودند. خود شخص مرحوم میوندوال که پس از کودتای ۲۶ سرطان به وطن برگشته بود، نزد سردار رفته و وعده همکاری داده بود.

گرفتاری های بعد تر، شایعات را بین مردم قوی تر کرد که این همه گیر و گرفت ها، حبس ها و اعدام ها، یک مقدمه چینی از جانب همکاران داوود خان است که از ماسکو اطاعت می کنند. آنها اشخاصی را که در برابر مرام خود مانع و خطرناک می دیدند، به وسیله "رهبر" از بین می بردند.

البته داوود خان هم به بسیار آسانی آله دست شده بود. و وقتی که متوجه شد، در نتیجه غفلت های قبلی، نوبت خودش رسید. توطئه خائنین و غفلت سردار محمد داوود خان، نقص و زیان جبران ناپذیر به مملکت و ملت ما رسانید.

**** * ****

*** --- ***

لطفاً برای کسب اطلاعات مفیدتر و بیشتر از موضوع فوقانی، به کتاب های ذیل مراجعه نمایند

- میرمحمد صدیق فرهنگ. افغانستان در پنج قرن اخیر جلد دوم ص ۹
- محمد هاشم میوندوال. محمد نجیم آریا. ناشر سید آقا هنری.
- الحاج عبدالشکور احمدزی. شخصیت علمی، سیاسی و اجتماعی شهید میوندوال.
- غوث الدین فائق. رازی را که نمی خواستم افشاء گردد. ص ۳۴
- خان آقا سعید. رازی را که فائق افشاء نکرد. صص ۳۴-۳۸
- عبدالصمد غوث. سقوط افغانستان. ص ۲۸۸ ترجمه فارسی محمد یونس طغیان ساکاپی.
- سید قاسم رشتیا. خاطرات سیاسی. به اهتمام محمد قوی کوشان. ص ۴۲۲